

**Examining the challenges of the policy of preliminary investigations  
in crimes against legal entities and its solutions**

Mohamadreza Rasouli<sup>1</sup>

Abbas Taghvaei<sup>2</sup>

Amirreza Mahmoudi<sup>3</sup>

Received: 24 June 2023

Reception: 4 September 2024

**Abstract**

Given the abstract and authoritative nature of legal entities, the manner in which these persons commit crimes is different from that of natural persons. Legal entities commit crimes through their representatives, and therefore, it is necessary to establish regulations and rulings for prosecuting and investigating their crimes differently from investigating crimes of natural persons. In 2013, in parallel with the explicit recognition of criminal liability for legal entities, the legislator provided nine articles in the Criminal Procedure Code to investigate the crimes of such persons. Given that for many years in Iran, except in a few cases, criminal liability for legal entities had not been recognized, therefore, the issue of how to investigate the crimes of these persons was not considered a major challenge. However, by clarifying the recognition of this liability for legal entities, given the abstract nature of legal entities and also the natural person approach of the criminal procedure regulations, many challenges were created from a formal point of view in conducting preliminary investigations into the charges attributed to these persons. Challenges such as the manner of summoning and explaining the charges against a legal entity, voluntary dissolution of a legal entity during preliminary investigations, criminal security orders, and the use or non-use of some conciliatory institutions such as archiving the case or suspending prosecution of legal entities are among these. This research attempts to propose solutions to overcome them by using a descriptive and analytical method and by studying related sources, while proposing challenges.

**Keywords:** Investigator, criminal prosecution, preliminary investigation, legal entity, representative.

---

<sup>1</sup>Ph.D Candidate in Criminal Law and Criminology, Lahijan Branch, Islamic Azad University, Lahijan, Iran

<sup>2</sup>Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Lahijan Branch, Islamic Azad University, Lahijan, Iran

<sup>3</sup>Assistant Professor, Department of Law, , Lahijan Branch, Islamic Azad University, Lahijan, Iran

<http://doi.org/10.30510/pscci.2025.500326.1219>

## بررسی چالش های سیاست تحقیقات مقدماتی در جرایم اشخاص حقوقی و راهکارهای آن

محمدرضا رسولی<sup>۱</sup> تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۰۴  
عباس تقوایی<sup>۲</sup> تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۱۴  
امیر رضا محمودی<sup>۳</sup>

### چکیده

با توجه به ماهیت انتزاعی و اعتباری اشخاص حقوقی شیوه ارتکاب جرم این اشخاص متفاوت از اشخاص حقیقی است. اشخاص حقوقی از طریق نمایندگانشان مرتکب جرم شده و لذا ضرورت دارد مقررات و احکام تعقیب و رسیدگی به جرایم ایشان نیز متفاوت از رسیدگی به جرایم اشخاص حقیقی وضع گردد. در سال ۱۳۹۲ موازی با شناسایی صریح مسئولیت کیفری برای اشخاص حقوقی، قانونگذار فصلی<sup>۱</sup> نه مادهای را در قانون آیین دادرسی کیفری برای رسیدگی به جرایم این قبیل اشخاص پیشبینی نمود. با توجه به اینکه سالها در کشور ایران، جز در موارد معدود و اندک، مسئولیت کیفری برای اشخاص حقوقی به رسمیت شناخته نشده بود، لذا مسئله نحوه رسیدگی به جرایم این اشخاص نیز چالش بزرگی محسوب نمیشد. اما با تصریح شناسایی این مسئولیت برای اشخاص حقوقی، با توجه به انتزاعی بودن اشخاص حقوقی و همچنین رویکرد شخص حقیقی داشتن مقررات آیین دادرسی کیفری، چالشهای زیادی از نقطه نظر شکلی در راه انجام تحقیقات مقدماتی درباره اتهامات انتسابی به این اشخاص ایجاد شد. چالشهایی مانند نحوه احضار و تبیین اتهام شخص حقوقی، انحلال ارادی شخص حقوقی در جریان تحقیقات مقدماتی، قرارهای تأمین کیفری و استفاده یا عدم استفاده از برخی نهادهای ارفاقی مانند بایگانی کردن پرونده یا تعلیق تعقیب درباره اشخاص حقوقی از این جمله هستند. این پژوهش تلاش دارد با روش توصیفی و تحلیلی و از رهگذر مطالعه منابع مرتبط، ضمن طرح چالشها، راه حلهایی نیز برای برطرف کردن آنها مطرح کند.

**واژگان کلیدی:** بازپرس، تعقیب کیفری، تحقیقات مقدماتی، شخص حقوقی، نماینده

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم شناسی، واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد اسلامی، لاهیجان، ایران.

<sup>۲</sup> استادیار گروه معارف اسلامی، واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد اسلامی، لاهیجان، ایران. (نویسنده مسئول) [taghvae.abbas@yahoo.com](mailto:taghvae.abbas@yahoo.com)

<sup>۳</sup> استادیار گروه حقوق، واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد اسلامی، لاهیجان، ایران.

مسئولیت کیفری عبارت است از الزام و تکلیف شخص به پاسخگویی و جوابگویی در برابر هر نوع رفتار و کنش خلاف هنجارهایی که قانون گذار برای آن مجازات تعیین کرده است. پیش از تصویب قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲ اگرچه در برخی قوانین پراکنده ضمانت اجرایی برای تخلفات اشخاص حقوقی پیش بینی شده بود، اما مسئولیت کیفری آنها به طور جامع و نظاممند به رسمیت شناخته نشده بود. تعیین مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی با چالشها و مشکلات متعدد و پیچیده‌های مواجهه است. اول اینکه تعریف دقیق و روشنی از ماهیت حقوقی و اعتباری شخصیت اشخاص حقوقی در قوانین موجود ارائه نشده و ابهاماتی در این زمینه وجود دارد. تعیین این مسئله که دقیقاً کدام عنصر یا جزء از اجزای تشکیل دهنده یک شخص حقوقی در ارتکاب یک جرم نقش داشته‌اند، بسیار مشکل و پیچیده است. آیا صرفاً یک فرد حقیقی درون سازمان مقصر بوده با سیاستها و فرهنگ حاکم بر شخص حقوقی نیز در ارتکاب جرم نقش داشته‌اند؟ همچنین اثبات رابطه سببیت بین یک جرم یا رفتار مجرمانه با شخص حقوقی که یک مفهوم انتزاعی و صرفاً حقوقی است. بسیار دشوار به نظر میرسد. علاوه بر این با توجه به اینکه اشخاص حقوقی فاقد ذهن و اراده هستند اثبات رکن معنوی جرم در مورد آنها نیز با پیچیدگیها و مشکلات خاص خود مواجه است. از سوی دیگر محدودیتهای عملی و قانونی زیادی برای تحمیل و اجرای برخی از انواع مجازاتها علیه اشخاص حقوقی وجود دارد. به عنوان مثال امکان مجازاتهایی مانند حبس یا شلاق برای یک شخص حقوقی وجود ندارد. در مجموع تطبیق ماهیت و ویژگیهای حقوقی اشخاص حقوقی با مبانی و قواعد حقوق جزا در تعیین مسئولیت های کیفری آنها مشکلات و چالشهای عدیده‌های پدید می‌آورد که نیازمند وضع مقررات جامع و دقیق است.

در خصوص چالشهای شکلی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در فرایند تعقیب آنان بر اساس قانون آیین دادرسی کیفری، باید گفت یکی از مشکلات عمده فقدان ضوابط واضح در زمینه نحوه احضار این اشخاص است. قانون مذکور هیچ مقررره ای در خصوص کیفیت ابلاغ احضار نامه به اشخاص حقوقی پیش بینی نکرده و مشخص نیست چه مرجعی باید مخاطب احضار باشد. همچنین ضمانت اجرایی برای عدم

حضور نمایندگان قانونی این اشخاص مقرر نشده است. در حالی که برای افراد حقیقی امکان جلب آنان وجود دارد. این در حالی است که به موجب ماده ۶۶۳ هیچ یک از الزامات و محدودیتهای مقرر برای متهمان در مورد نمایندگان اشخاص حقوقی اعمال نخواهد شد. لذا فقدان مجازات مناسب برای عدم حضور نمایندگان قانونی اشخاص حقوقی یکی از کاستی های مهم در فرایند تعقیب این اشخاص محسوب می شود که نیازمند پیش بینی ضمانت اجرایی همچون مسدود کردن حساب بانکی یا بلوکه نمودن سهام است. در این پژوهش چالشهای شکلی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی به عنوان متغیر اصلی مورد بررسی قرار گرفته است. هدف از این پژوهش شناسایی خलाها و چالشهای موجود در حوزه مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در نظام حقوقی ایران می باشد.

## ۲- چالشهای رسیدگی به جرائم اشخاص حقوقی

مکفی نبودن مقررات دادرسی کیفری در رسیدگی به جرایم اشخاص حقوقی در نظام عدالت کیفری

قانون آیین دادرسی کیفری به نحوی تصویب شده که غالب مباحث آن اشخاص حقیقی را شامل میشود و آنچه مسلم است این که بخش عمده قوانینی که در دادرسی اشخاص حقیقی پیشبینی شده، در خصوص اشخاص حقوقی قابلیت اجرا نخواهد داشت و نمیتوان آنها را برای اشخاص حقوقی مقرر و ثابت دانست. بیشتر مواد قانون آیین دادرسی چنان تنظیم شده اند که در آن با توجه به اصالت مسئولیت کیفری اشخاص حقیقی مقررات با فرض اینکه اشخاص حقیقی مرتکب جرم شده اند تدوین یافته و به جرایم اشخاص حقیقی رسیدگی میشود. اما امروزه نقش و جایگاه اشخاص حقوقی در زندگی اشخاص حقیقی و دنیای امروز انکار ناپذیر است. بسیاری از حقوق و تکالیف بر عهده این اشخاص قرار گرفته و نقش روز افزون اشخاص حقوقی در زندگی انسان به طوری است که تامین بسیاری از نیازهای زندگی کنونی از ارتباط با این اشخاص تامین میشود و عدم این ارتباط اخلال در زندگی روزمره را در پی خواهد داشت (جعفری هرنندی، ۱۳۸۴: ۵۶). لذا با این تفاسیر اشخاص حقوقی نیز مرتکب جرم خواهند شد و آنچه مسلم است این است که با توجه به اینکه قانون آیین دادرسی کیفری قانونی است که

ماهیت آن بر مبنای زندگی اشخاص حقیقی تنظیم شده لذا قانون مذکور جوابگوی نحوه و فرایند رسیدگی به دعوای کیفری اشخاص حقوقی نیست. در رفع این چالش بهتر بود قانونگذار به جای اختصاص صرفاً نه ماده جهت رسیدگی به جرایم اشخاص حقوقی، قانونی مجزا جهت رسیدگی به جرایم این اشخاص تصویب می کرد و یا رسیدگی به جرایم این اشخاص را به طور مفصل تری مورد تصویب قرار میداد تا از صدور آرای متفاوت و رویه های متعارض محاکم پیشگیری شود. پیشنهاد دیگر این است که ذیل هر ماده یا مقرر ای طی تبصره یا بندی تفاوت های رسیدگی به جرایم اشخاص حقوقی با اشخاص حقیقی بیان گردد مثلاً قرارهای مربوط به تامین کیفری اشخاص حقوقی در فصل مربوط به قرارها آورده شود.

در قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه نیز علیرغم اینکه قانونگذار در خصوص اشخاص حقوقی اقدام به تصویب قانون دادرسی خاص این اشخاص نموده است و در بخش هجدهم قانون آیین دادرسی کیفری مواد ۴۱ - ۷۰۶ لغایت ۴۶ - ۷۰۶ را به تعقیب، تحقیق و دادرسی در جرایم ارتكابی توسط اشخاص حقوقی اختصاص داده، لیکن به دلیل عدم کفایت پیشبینیهای قانونی لازم، همچنان در اکثر موارد در رسیدگی به جرایم اشخاص مذکور مطابق با مقررات عمومی و مقررات مربوط به اشخاص حقیقی اعمال می شود. (Deckret, 2001: 147)

به نظر میرسد اختصاص عمده مقررات دادرسی کیفری به اشخاص حقیقی بزرگترین مشکل و چالش فعلی در خصوص رسیدگی به جرایم ارتكابی اشخاص حقوقی میباشد.

#### کشف جرم و شناسایی شخص حقوقی مرتکب

یکی از چالشهای مهم انجام تحقیقات مقدماتی جرایم اشخاص حقوقی در مرحله کشف جرم، مسئله شناسایی شخص حقوقی مرتکب است. در ق.آ.د.ک کشف جرایم شخص حقوقی از شرایط و قوانین کشف جرم شخص حقیقی تبعیت میکند و در زمینه کشف جرایم شخص حقوقی مقررات علیحده ای پیشبینی نشده است و همین موضوع یکی از پرچالشترین موضوعات در تحقیقات مقدماتی جرایم شخص حقوقی است چرا که ماهیت و نوع جرایم شخص حقوقی غالباً بسیار متفاوت با رفتارهای مجرمانه شخص حقیقی است. قدرت اقتصادی بالای اشخاص حقوقی خصوصاً اشخاص حقوقی بزرگ، دشواری اثبات رابطه علیت

بین رفتار شخص حقوقی و جرائم ارتكابی فرافکنی و عدم پذیرش مسئولیت رفتار ارتكابی از سوی شخص حقوقی همگی از عواملی هستند که جرایم این اشخاص را به صورت پنهان باقی می‌گذارد و کشف و رسیدگی به آنها را با مشکلات متعدد مواجه می‌سازند. جرایم اشخاص حقوقی به نحوی هستند که بزه دیدگان جرایم این اشخاص به صورت جمعی و غیرمستقیم مورد بزه دیدگی قرار می‌گیرند. بسیاری از جرایم شخص حقوقی، وضعیت، بهداشتی، سلامت و امنیت جامعه را متضرر می‌کند و بزه دیدگان این جرایم طیف قابل توجهی از افراد جامعه می‌باشند. اثبات رابطه علیت بین رفتار شخص حقوقی و زیان‌ها و خسارات وارده معمولاً دشوار و یا حتی غیر ممکن است و تعداد بالای بزه‌دیدگان این جرایم سبب می‌شود که شناسایی شخص حقوقی مرتکب و رسیدگی به این گونه جرایم و در نهایت محکومیت شخص حقوقی مجرم سالها طول بکشد نمونه این موارد را می‌توان یکی از جنجالی‌ترین پرونده‌ها معروف به پرونده خون‌های آلوده مثال زد. ایران در اوایل دهه شصت جهت درمان بیماران هموفیلی اقدام به ورود خون از کشور فرانسه نمود. به دلیل آلوده بودن این خون‌ها به ویروس ایدز حدود ۲۰۰۰ نفر از مصرف‌کنندگان به بیماری ایدز مبتلا شدند. با توجه به تعداد بالای بزه‌دیدگان این رفتار و همچنین دشواری اثبات رابطه علیت و اقداماتی چون فرافکنی اشخاص حقوقی مسئول، و نابرابری قدرت و جایگاه بزه‌دیدگان و اشخاص حقوقی مرتکب، رسیدگی به این پرونده بیش از دو دهه به طول انجامید و در نهایت دادگاه در سال ۱۳۸۳ وزارت بهداشت و درمان و سازمان انتقال خون را مسئول شناخت و محکوم به پرداخت دیه نمود هرچند بسیاری از این خسارات تاکنون نیز پرداخت نشده است.

کشف جرم شخص حقوقی تا حد بسیار بالایی متأثر از عدم پیشبینی قوانین خاص و سپس ضعف متولیان کشف جرم است. با توجه به گستردگی اشخاص حقوقی و با توجه به اینکه رفتارهای مجرمانه شخص حقوقی در محیط‌های فنی و زیر لوای دانش و تخصص مرتکبین تحقق پیدا می‌کند کشف این جرایم از سوی ضابطین عام دادگستری دشوار و بعضاً غیر ممکن است در حالی که در اغلب موارد در قانون آیین دادرسی کیفری کشف جرم شخص حقوقی به ضابطین عام واگذار شده است در حالی که این افراد غالباً فاقد تخصص و تحصیلات مرتبط

بوده و دوره‌های آموزشی لازم را نیز در این خصوص سپری نکرده اند و در حوزه‌های تخصصی جرم شخص حقوقی نیز هیچ گونه تجربه و مهارتی ندارند لذا بهتر است قانونگذار در کشف جرایم شخص حقوقی ضابطان خاص را پیشبینی کند و کشف جرایم این اشخاص را به صورت اختصاصی مورد تصویب قرار دهد. یک ضابط خاص دارای تحصیلات و تجربه بالا تنها در صورتی قادر به کشف رفتارهای مجرمانه شخص حقوقی است که آگاهی کافی در خصوص فرایند چگونگی ارتکاب جرم و روش‌های نوین نقض قانون را داشته باشد در حالی که در حال حاضر متولیان کشف جرایم شخص حقوقی در بیشتر حوزه‌ها به چنین مهارت و دانشی مجهز نشده‌اند و بالعکس این افراد، اشخاص حقوقی مجرم خلاء‌های نظام کشف جرم و بازرسی را شناسایی نموده و با بهره‌گیری از آن اقدام به انجام اعمال مجرمانه میکنند (شکریان، ۱۳۹۰: ۶۴).

#### – احضار و تبیین اتهام شخص حقوقی

قانونگذار در ماده ۶۸۸ و ۶۸۹ ق.آ.د.ک در بحث احضار و تفهیم اتهام به شخص حقوقی روشی متفاوت نسبت به شخص حقیقی را در پیش گرفته و همین موضوع موجب رسیدگی کیفری افتراقی به جرائم شخص حقوقی شده است به نحوی که در احضار شخص حقوقی به عنوان متهم باید نماینده شخص حقوقی احضار شود و بحث تفهیم اتهام در شخص حقوقی جایگاهی ندارد بلکه با عنوان جدیدی به نام «تبیین اتهام» مواجه هستیم که در ادامه به بحث و بررسی این موارد می‌پردازیم.

#### الف) احضار شخص حقوقی

احضار شخص حقوقی به عنوان متهم، با توجه به اینکه انتساب مسئولیت کیفری برای شخص حقوقی دارای شرایط خاصی است، لذا رویه قضایی ایران به نحوی است که برای مسئول قلمداد کردن شخص حقوقی، تنها شخص حقیقی فعال در کسوت نمایندگی که غالباً مدیر شخص حقوقی یا از مقامات ارشد شخص حقوقی هستند؛ در برابر مراجع کیفری پاسخگو می‌باشند، براین اساس نماینده شخص حقوقی باید در مراجع قضایی حضور پیدا کرده و به عنوان نماینده قانونی متهم تحت بازرجویی و تحقیق قرار گیرد لذا نحوه احضار و انجام تحقیقات از شخص حقوقی به عنوان متهم در ماده ۶۸۸ ق.آ.د.ک بیان شده است: «هرگاه دلیل کافی برای اتهام به شخص حقوقی وجود داشته باشد، علاوه

بر احضار شخص حقیقی که اتهام متوجه او می باشد، با رعایت مقررات مربوط به احضار، به شخص حقوقی اخطار میشود تا مطابق مقررات نماینده قانونی یا وکیل خود را معرفی نماید. عدم معرفی وکیل یا نماینده مانع رسیدگی نیست». مطابق با نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه منظور از نماینده قانونی شخص حقوقی هرکسی است که به موجب قانون و یا اساسنامه دارای اختیار در دفاع از دعاوی طرح شده علیه شخص حقوقی است.

در بسیاری از موارد یک شخص حقوقی ممکن است با توجه به ماهیت کاری خود، چندین نماینده در حوزه‌های مختلف اعم از اداری، مالی، کیفیت و ... داشته و اختیارات این حوزه ها به آنها واگذار شده باشد لذا در احضار نماینده باید نماینده ای که مرتبط با اتهام انتسابی است احضار شود. (Emmanuel, 2003: 29). با توجه به اینکه معمولاً نماینده قانونی هر شخص حقوقی رئیس، مدیر عامل، رئیس هیات مدیره و یا سایر مقامات ارشد شخص حقوقی میباشند احضار هر یک از این افراد، شخص حقوقی را با مشکلاتی مواجه خواهد کرد چرا که احضار این اشخاص علاوه بر اینکه ممکن است نسبت به حسن شهرت شخص حقوقی آسیب وارد نماید و اثرات منفی به جای گذارد، گاهی ممکن است افراد مذکور با مسائل و مباحث حقوقی آشنایی نداشته باشند و این موضوع سبب تضییع حقوق متهم گردد لذا بهتر بود قانونگذار به جای تکلیف حضور نماینده قانونی، حضور نماینده حقوقی را جهت احضار و انجام تحقیقات مقدماتی تکلیف میکرد و به جای اینکه در همان گام نخست رئیس یا مدیر عامل احضار شود نماینده حقوقی شخص حقوقی احضار گردد. علاوه بر این موضوع با توجه به فعالیتهای اقتصادی و مالی شخص حقوقی در بسیاری از موارد خصوصاً در بحث جرایم مالی ممکن است نماینده قانونی شخص حقوقی خود در ارتکاب رفتار مجرمانه نقش داشته باشد پس به طور یقین احضار چنین شخصی به عنوان نماینده قانونی کار معقولی به نظر نمیرسد بعلاوه آنکه مدیران و روسای شخص حقوقی که از آنان تحت عنوان نماینده قانونی نام می بریم به دلایل حجم کار بالا، مشغلههای حرفه ای و کاری و سایر موضوعات آنقدر درگیر مباحث مختلف هستند که معمولاً امکان حضور در مراجع قضایی را نخواهند داشت ضمن آنکه معرفی وکیل از طرف شخص حقوقی نیز می تواند هزینه های اضافی بر اشخاص حقوقی

تحمیل نماید و تامین این هزینه ها و حق الوکاله وکیل ممکن است اشخاص حقوقی، خصوصا اشخاص حقوقی کوچک را با مشکلات مالی مواجه نماید.

### ب) تبیین اتهام به شخص حقوقی

تبیین در لغت به معنای روشن کردن و آشکار کردن به کار رفته است. (معین، ۱۳۸۳: ۱۰۲۵) و منظور از تبیین اتهام، بیان کردن و توضیح دادن اتهام شخص حقوقی به همراه دلایل و مستندات مربوطه، به نماینده شخص حقوقی است تا نماینده از اتهامات انتسابی شخص حقوقی مطلع شده و در جهت وظایف قانونی خود اقدام به دفاع در مقابل اتهام یا اتهامات انتسابی نماید. قانونگذار در ماده ۶۹۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ بیان میدارد: «پس از حضور نماینده شخص حقوقی، اتهام وفق مقررات برای او تبیین می شود.» در این ماده قانونگذار واژه ای را خلق کرده که با وجود اینکه بخشهای زیادی از این قانون از قانون فرانسه گرفته شده است اما متناظر آن در قانون فرانسه هم دیده نمی شود.

به کار بردن این واژه از خلاقیت تدوین کنندگان بوده و همین که به جای واژه «تفهیم» اتهام از واژه «تبیین» اتهام استفاده شد نشان از این میدهد شخصی که به نمایندگی شخص حقوقی حاضر میشود متهم نیست و قانونگذار مصمم بوده از واژه متفاوتی استفاده کند که اتهام را برای او تبیین میکنند، در ادامه ماده بیان شده است محدودیتهایی که در مورد متهم اعمال می شود در مورد نماینده شخص حقوقی اعمال نمیشود. همان طور که در ماده ۶۹۸ ق.آ.د.ک آمده است، امکان تفهیم اتهام برای نماینده شخص حقوقی وجود ندارد و قانونگذار از تبیین اتهام به دلیل متهم نبودن نماینده استفاده کرده است. به نظر میرسد در تفاوت تبیین اتهام و تفهیم اتهام باید قائل به این موضوع بود که در فرض تبیین اتهام، امکان صدور قرار تامین به شخصی که اتهام به او تبیین می شود وجود ندارد لیکن در تفهیم اتهام می توان اقدام به صدور قرار تامین کیفری نمود. چالشی که مطرح می شود این است که آیا ضوابط حاکم بر تبیین اتهام همان ضوابط حاکم بر تفهیم اتهام است؟ اگر ضوابط حاکم بر تفهیم اتهام را در خصوص تبیین اتهام نیز جاری بدانیم وضعیت آخرین دفاع چگونه خواهد بود چراکه در بحث شخص حقیقی مطابق با ماده ۲۶۲ ق.آ.د.ک اخذ آخرین دفاع از متهمی صورت میگیرد که به او تفهیم

اتهام شده است و در خصوص شخص حقوقی ما اصلا بحث تفهیم اتهام را نداریم بلکه با تبیین اتهام مواجه هستیم که توسط مقام تحقیق نسبت به نماینده شخص حقوقی انجام می شود.

### قرارهای تأمین کیفری شخص حقوقی

قانونگذار با تصویب ماده ۶۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری اقدام به نوآوری نموده و قرارهای تأمین کیفری را برای اشخاص حقوقی پیش بینی نموده است این ماده مقرر میدارد: «در صورت وجود دلایل کافی دایر بر توجه اتهام به شخص حقوقی و در صورت اقتضاء منحصرأ صدور قرارهای تأمینی زیر امکان پذیر است. این قرارها ظرف ده روز پس از ابلاغ، قابل اعتراض در دادگاه صالح است:

الف) قرار ممنوعیت بعضی از فعالیتهای شغلی که زمینه ارتکاب مجدد جرم را فراهم میکند.

ب) قرار منع تغییر اداری در وضعیت شخص حقوقی از قبیل انحلال، ادغام و تبدیل که باعث دگرگونی یا از دست دادن شخصیت حقوقی آن شود. تخلف از این ممنوعیت موجب یک یا دو نوع از مجازاتهای تعزیری درجه هفت یا هشت برای مرتکب است». در ادامه به توضیح این قرارها میپردازیم.

### الف) قرار ممنوعیت انجام برخی فعالیتهای شغلی (علت فراهم نمودن ارتکاب مجدد جرم)

این قرار مختص مواقعی است که موضوع و نوع فعالیت شخص حقوقی زمینه ارتکاب جرم را فراهم نموده است در چنین حالتی مقام قضائی باید آن بخش از فعالیت شخص حقوقی، که امکان مجدد جرم را فراهم می سازد ممنوع کند لیکن ممنوع کردن تمام فعالیت شخص حقوقی جایز نیست. (مصدق، ۱۳۹۵: ۶۵) به عنوان مثال اگر یک شخص حقوقی که در حوزه چاپ و نشر کتاب فعالیت می چنانچه در ضمن انتشار کتاب اقدام به جعل اسکناس نماید و در این خصوص نزد مقام تحقیق احضار شود با جمع سایر شرایط قانونی میتوان قرار ممنوعیت از فعالیت شغلی چاپ کتاب که زمینه انتشار جعل اسکناس را فراهم نموده است صادر کرد تا دامنه قربانیان جرم بیشتر نشود. (جان نثار کهنه شهری، ۱۳۹۵: ۱۱۱)

چند ایراد اساسی به این قرار وارد است اولاً اینکه نحوه اجرای این قرار و مراجع صالحی که این قرار باید به آنها اعلام شود مشخص نیست و

همچنین نحوه نظارت و مرجع ناظر بر این ممنوعیت نیز مشخص نشده است لذا بهتر بود قانونگذار یا قوه قضائیه در زمان تصویب آیین نامه شیوه اجرای قرارهای نظارت قضائی و تامین قضائی، شیوه اجرا، و نحوه نظارت بر این قرار را مانند قرارهای تامین کیفری اشخاص حقیقی پیش بینی می کرد و موارد مشابهی را نیز برای اشخاص حقوقی در نظر میگرفت.

ثانیاً بر خلاف قرار تامین کیفری بند ب ماده ۶۹۰ ق.آ.د.ک هیچ ضمانت اجرایی برای تخلف از اجرای این قرار توسط قانونگذار مقرر نشده است یعنی مشخص نیست اگر شخص حقوقی، فعالیت هایی را که از طرف دادگاه منع شده است مجدداً انجام دهد چه ضمانت اجرایی خواهد داشت. لذا بهتر بود مقنن چنین مواردی را موجب لغو قرار یا تبدیل قرار منع فعالیت به قرار تامین کیفری شدیدتری میدانست. (نوبخت، ۱۳۹۶: ۱۰۵)

#### الف) قرار منع تغییر اداری در وضعیت شخص حقوقی

این قرار زمانی صادر می شود که حفظ شرایط شخص حقوقی در زمان تحت تعقیب قرار گرفتن، به منظور انجام تحقیقات مقدماتی، کشف حقیقت، حفظ آثار و دلایل جرم و جبران ضرر و زیان بزه‌دیدگان احتمالی ضروری است به عنوان مثال یک شرکت خصوصی نسبت به اموال سپرده شده مردم با جعل نوشتجاتی مرتکب خیانت در امانت شده است لذا با احضار متهم و کشف جرم، این شخص حقوقی در صدد اخفای ادله و آثار جرم و تغییر وضعیت شرکت به حالت معمول خواهند بود (جان نثار کهنه شهری، ۱۳۹۵: ۱۱۱). در چنین وضعیتی معمولاً مسئولین شرکت در جهت جلوگیری از دسترسی به اسناد مثبت واهی بودن ادعای آنها و در نتیجه فرار از بار مسئولیت کیفری به دنبال برهم زدن وضعیت شرکت از طرق مختلفی چون انحلال، ادغام با شرکتی دیگر یا تبدیل وضعیت هستند.

ادغام و تبدیل شخص حقوقی دو حالت شبیه به انحلال هستند ادغام زمانی محقق می شود که یک شخص حقوقی شخص حقوقی دیگری را در خود حل میکند و یا چند شخص حقوقی در هم حل شده و یک شخص حقوقی جدید به وجود می‌آید. تبدیل شرکت نیز زمانی محقق میشود که بدون اینکه شخصیت حقوقی قبلی از بین برود و شخصیت حقوقی جدیدی به وجود آید، شخص حقوقی ساختاری جدید پیدا

می‌کند مثل زمانی که یک شرکت سهامی خاص با حفظ شخصیت حقوقی به شرکت سهامی عام تبدیل می‌شود. در چنین مواقعی مقام قضایی با صدور قرار منع تغییر اداری در وضعیت شخص حقوقی، تلاش می‌کند که از امحاء ادله و آثار اتهام و نیز تضییع حقوق بزه‌دیدگان احتمالی جلوگیری کند. قرار منع تغییر ارادی در وضعیت شخص حقوقی از قبیل انحلال، ادغام و تبدیل، تغییر غیرارادی در وضعیت شخص حقوقی را شامل نمی‌شود یعنی شرایطی که طی آن به صورتی قهری تغییراتی نظیر ادغام و تبدیل انجام شود که باعث دگرگونی یا از دست دادن شخصیت حقوقی، شخص حقوقی شود، مانع از صدور قرار تأمین کیفری می‌شود. به طور کلی تبدیل و ادغام شخص حقوقی نباید مانعی برای مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی محسوب شود. (موسوی مجاب، ۱۳۹۴: ۱۶۳) به نظر می‌رسد دو قراری که به عنوان قرار تأمین کیفری برای اشخاص حقوقی در ماده ۶۹۰ ق.آ.د.ک. مصوب شده است، هرچند تا حدودی فلسفه و هدف تأمین کیفری را تأمین کنند اما اهداف قرارهای تأمین کیفری را به صورت کامل محقق نخواهند کرد. چرا که هدف از قرارهای تأمین کیفری اقداماتی چون دسترسی به متهم حضور به موقع وی و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم است اما به نظر می‌رسد قرارهای پیشبینی شده برای اشخاص حقوقی بیشتر نوعی اقدام تأمینی جهت جلوگیری از ادامه جرم یا گسترش تبعات آن می‌باشد.

#### - کفالت شخص حقوقی

از دیگر نوآوری‌های قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ بحث پذیرش کفالت اشخاص حقوقی است قانونگذار با تصویب تبصره ماده ۲۲۱ ق.آ.د.ک. پذیرش کفالت اشخاص حقوقی را مورد تصویب قرار داد تبصره مذکور مقرر می‌دارد: « پذیرش کفالت اشخاص حقوقی با رعایت مقررات این ماده بلامانع است» (تبصره ماده ۲۲۱ ق.آ.د.ک.).

پذیرش کفالت اشخاص حقوقی با چالشهای اساسی همراه است؛ اولین چالش این است که آیا امکان پذیرش کفالت اشخاص حقوقی حقوق عمومی و اشخاص حقوقی حقوق خصوصی وجود دارد؟ به نظر می‌رسد در خصوص اشخاص حقوقی حقوق عمومی نمی‌توان فائل به پذیرش وثیقه یا کفالت گردید به عبارت دیگر اشخاص حقوق عمومی نمی‌توانند ضامن شوند یا کفالت شخصی را بر عهده بگیرند و اموال

دولتی را به عنوان وثیقه برای آزادی متهم بسپارند چون چنین حقی برای این دسته از اشخاص حقوقی پیش بینی نشده است و اقدامات افراد در این مورد نافذ نیست و حتی ممکن است عاملین چنین اقدامی تحت عنوان سوء استفاده و تصرف در اموال دولتی مورد تعقیب قرار گیرند لذا بهتر بود قانونگذار عدم پذیرش کفالت اشخاص حقوقی حقوق عمومی را تصریح میکرد.

در خصوص پذیرش کفالت اشخاص حقوقی حقوق خصوصی با توجه به ماده ۲۱۷ و ۲۳۶ ق.آ.د.ک و با توجه به اینکه متهم خودش نیز میتواند وثیقه بسپارد میتوان استفاده کرد که ملاک و هدف اصلی از اخذ این نوع تأمین، گرو گذاشتن مال است بنابراین اگر شخص حقوقی حقوق خصوصی اختیار گرو گذاشتن اموال را داشته باشد کفالت اشخاص از او پذیرفته میشود علاوه بر این موضوع در اشخاص حقوقی حقوق خصوصی مثل شرکتهای شخصیت و اموال شرکتها از اموال اعضا مستقل است طبق اصل استقلال شخصیت شرکت از شخصیت و اموال شرکاء مدیر عامل شرکت به عنوان فردی که مسئولیت انجام امور جاری شرکت را بر عهده دارد، چنانچه طبق اساسنامه شرکت این اختیار را داشته باشد میتواند اقدام به سپردن وثیقه از طرف شخص حقوقی نماید و در صورت عدم اختیار مذکور در اساسنامه شرکت نمی توان قائل به پذیرش کفالت شخص حقوقی گردید.

#### قرارهای نهایی شخص حقوقی

پس از پایان تحقیقات مقدماتی مقام تحقیق مکلف است در خصوص انتساب یا عدم انتساب اتهام به شخص حقوقی در قالب صدور یک قرار نهایی اظهار عقیده نماید و چنانچه نظر مقام تحقیق بر مجرمیت متهم باشد مکلف است آخرین دفاع را از متهم اخذ نموده و اقدام به صدور قرار جلب به دادرسی نماید و در خصوص سایر قرارهای نهایی نیازی به اخذ آخرین دفاع از متهم نمیباشد (کازمی، ۱۳۹۸: ۳۳۶). چالشی که مطرح میشود این است که در قرارهای نهایی جلب به دادرسی، موقوفی تعقیب، منع تعقیب و قرارهای مساعد به حال متهم وضعیت شخص حقوقی به عنوان متهم چگونه خواهد بود؟ آیا مشابه اشخاص حقیقی با آنها برخورد میشود یا وضعیت صدور این قرارها برای شخص حقوقی متفاوت از شخص حقیقی است.

#### الف) قرار جلب به دادرسی

این قرار مطابق با ماده ۲۶۵ ق.آ.د.ک زمانی صادر خواهد شد که عمل ارتكابی جرم بوده و علاوه بر آن انتساب این رفتار به متهم با توجه به دلایل کافی و قانع کننده از نظر مقام تحقیق محرز است. پس از صدور قرار جلب به دادرسی در خصوص متهم کیفرخواست صادر شده و از دادگاه صالح تقاضای کیفر می شود. به نظر می رسد با توجه به مجزا بودن مسئولیت کیفری شخص حقیقی از حقوقی باید برای شخص حقوقی کیفرخواست مجزا صادر شود. لیکن چالش وارده در این است که مطابق با ماده ۲۷۸ ق.آ.د.ک شرایط مقرر برای صدور کیفرخواست، قابل انطباق با اشخاص حقوقی نیست. به عنوان نمونه در کیفرخواست مواردی چون نام پدر، وضعیت تاهل، سابقه محکومیت کیفری، خلاصه پرونده شخصیت و... باید درج شود در حالی که ذکر این موارد برای اشخاص حقوقی امکان پذیر نیست. در حال حاضر در رویه قضائی، جهت صدور کیفرخواست اشخاص حقوقی همانند اشخاص حقیقی اقدام می شود لیکن صرفاً نام شخص حقوقی ذکر می شود و دیگر موارد از جمله خلاصه پرونده شخصیت، سابقه محکومیت کیفری و... در خصوص این اشخاص ذکر نمی شود. لذا جای دارد قانونگذار با پیش بینی های لازم چنین ایراداتی را مرتفع سازد.

#### ب) قرار موقوفی تعقیب

ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری موارد صدور قرار موقوفی تعقیب را به شرح فوت متهم با محکوم علیه، گذشت شاکی یا مدعی خصوصی در جرایم قابل گذشت، شمول غفو، نسخ مجازات قانونی، شمول مرور زمان، توبه، اعتبار امر مختوم و جنون بیان نموده است. سوال این است که آیا این موارد در خصوص شخص حقوقی نیز قابلیت اجرا خواهند داشت؟

در خصوص فوت متهم که غالباً برابر با انحلال شخص حقوقی است جریان دعوای عمومی با فوت متهم یا محکوم علیه موقوف میشود. از آنجایی که شخص متهم میتواند حقیقی یا حقوقی باشد در اشخاص حقوقی نیز موضوع انحلال میتواند شایسته بحث و بررسی باشد. با توجه به اینکه اشخاص حقوقی اراده خود را به وسیله اشخاص حقیقی اعمال میکنند لذا ارتكاب جرائم شخص حقوقی توسط شخص حقیقی که کسوت نمایندگی دارد در راستای منافع شخص حقوقی ارتكاب پیدا میکند و ممکن است شخص حقیقی نیز در ارتكاب جرم دخیل باشد، با

فوت شخص حقیقی که غالباً نماینده شخص حقوقی است قرار موقوفی تعقیب در مورد شخص حقیقی صادر میشود و نسبت به شخص حقوقی تحقیقات ادامه پیدا می نماید و چنانچه مقام تحقیق ارتکاب جرم از ناحیه شخص حقوقی را احراز نماید نسبت به شخص حقوقی قرار جلب به دادرسی صادر خواهد کرد.

در خصوص فوت نسبت به اشخاص حقوقی باید عنوان نمود که اگر چه نمیتوان اشخاص حقوقی را مانند اشخاص حقوقی با اعدام سلب حیات نمود اما می توان با ضمانت اجرای انحلال که به مثابه مجازات مرگ است آنها را از گردونه اجتماع خارج کرد. (شریفی، ۱۳۹۲: ۳۰۹)

### ج) قرار منع تعقیب

قرار منع تعقیب برای اشخاص حقوقی همانند اشخاص حقیقی زمانی صادر می شود که رفتار انتسابی جرم نبوده و یا اینکه ادله کافی برای اثبات جرم وجود نداشته باشد. با توجه به اینکه ارتکاب رفتار مجرمانه شخص حقوقی توسط اشخاص حقیقی که کسوت نمایندگی شخص حقوقی را دارند تحقق پیدا میکند لذا در صورت تحت تعقیب قرار گرفتن شخص حقوقی، نماینده قانونی شخص حقوقی نیز که به نام و یا راستای منافع شخص حقوقی اقدام نموده تحت تعقیب قرار خواهد گرفت. یکی از چالشهایی که در خصوص قرار منع تعقیب شخص حقوقی وجود دارد این است که اگر نماینده قانونی شخص حقوقی به نام یا در راستای منافع شخص حقوقی مرتکب جرم شود و سپس علیه نماینده قانونی و شخص حقوقی اقامه دعوی گردد و در نهایت برای نماینده قانونی که شخصی حقیقی است قرار منع تعقیب صادر شود، آیا این قرار شامل شخص حقوقی هم میشود و در مورد شخص حقوقی نیز باید قرار منع تعقیب صادر شود یا خیر؟ و چالش دیگر این است که اگر در مورد شخص حقوقی قرار منع تعقیب صادر شود وضعیت نماینده قانونی شخص حقوقی چگونه خواهد بود آیا در خصوص او نیز باید قائل به قرار منع تعقیب شویم؟

به نظر میرسد در خصوص پاسخ به سوال و چالش اول باید حالتهای مختلف را متصور شد؛ ابتدا اینکه اگر قرار منع تعقیب صادره برای شخص حقیقی که در کسوت نمایندگی قرار دارد به دلیل جرم نبودن عمل صادر گردد لزوماً باید نسبت به شخص حقوقی نیز اقدام به صدور قرار منع تعقیب کرد چرا که مجرمیت شخص حقوقی از رفتار نماینده

قانونی آن نشأت میگیرد. در این پاسخ نیز با چالش دیگری مواجه خواهیم شد که اگر شاکی در جرایم قابل گذشت از شخص حقوقی و نماینده قانونی آن شکایت کند و پس از انجام تحقیقات قاضی به این نتیجه برسد که شخص نماینده که به عنوان متهم احضار شده مرتکب جرم نشده است بلکه نماینده قانونی دیگر شخص حقوقی به نام و در راستای منافع آن مرتکب جرم شده است لذا نسبت به نماینده احضار شده قرار منع تعقیب صادر نماید در این حالت وضعیت چگونه خواهد بود؟ به نظر میرسد در این حالت قاضی باید به اتهامات شخص حقوقی رسیدگی کند و نمیتواند قرار منع تعقیب شخص حقوقی را صادر نماید چرا که ادله کافی برای انتساب اتهام به نماینده دیگر شخص حقوقی وجود دارد لیکن می تواند نماینده قانونی متهم را صرفاً به عنوان مطلع احضار نماید چرا که جرم از جرایم قابل گذشت است و تا زمانی که شاکی علیه نماینده قانونی دیگر که اتهامات منتسب به اوست اقدام به طرح شکایت نکند دادگاه نمیتواند وی را به عنوان متهم احضار نماید. در ادامه پاسخ به چالش اول حالت دیگری نیز قابل تصور است و آن زمانی است که قرار منع تعقیب شخص حقیقی که نماینده شخص حقوقی است به لحاظ عدم کفایت ادله صادر می شود در چنین حالتی لزوماً باید برای شخص حقوقی نیز قرار منع تعقیب صادر شده و چنانچه اگر در آینده دلیل جدیدی علیه شخص حقیقی کشف شود در اجرای ماده ۲۸۷ ق.آ.د.ک می توان اقدام به تعقیب شخص حقیقی و حقوقی نمود. (عابدی، ۱۳۹۸: ۴۸۶).

#### د) قرارهای مساعد به حال متهم

از دیگر نوآوری های قانون آیین دادرسی کیفری پیشبینی قرارهای بایگانی پرونده و تعلیق تعقیب در مواد ۸۰ و ۸۱ است که از قرارهایی هستند که مساعد به حال متهم میباشند. سوالی که مطرح میشود این است که آیا صدور چنین قرارهایی مشمول اشخاص حقوقی نیز میشوند؟ شرط صدور چنین قرارهایی احراز اموری مانند فقدان سابقه محکومیت موثر کیفری متهم، ملاحظه وضع اجتماعی و سوابق او است، لذا اولاً در بحث قرار بایگانی پرونده، وضعیت سوابق کیفری شخص حقوقی قابل بررسی است ثانياً با توجه به ماهیت شخص حقوقی نوع مجازاتهای این اشخاص به نحوی است که اساساً مجازات تبعی ندارد و مشمول مواد ۲۵ و ۲۶ تبصره ماده ۴۰ ق.م.ا نخواهد شد. لذا به نظر

میرسد صدور قرار بایگانی پرونده برای اشخاص حقوقی بلامانع است. در خصوص تعلیق تعقیب نیز به نظر میرسد این قرار نسبت به اشخاص حقوقی قابل اجرا بوده و به این دلیل که قرار تعلیق تعقیب در جرایمی است که تعلیق اجرای مجازات نسبت به آنها امکان داشته باشد، مجازات های اشخاص حقوقی نیز قابلیت تعلیق اجرای مجازات را با احراز شرایط مقرر قانونی دارد.

## نتیجه گیری

این پژوهش ضمن بررسی دگرگونی‌های مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق ایران بر مبنای مواد ۲۰ الی ۲۲ و ۱۴۳)، که به این امر اختصاص یافته، تمرکز نموده که حاصل آن، استخراج خلأها، نواقص و ارائه راهکارهای فروگشا به ترتیب ذیل است: الف-سؤالات، ابهامات و دغدغه‌های موجود در زمینه آثار و ابعاد مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی فراتر از آن است که قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ تنها با اختصاص چهار ماده یارای پاسخ‌گویی به آن‌ها را داشته باشد. اهمیت موضوع ایجاب می‌نماید که با تخصیص موادی بیشتر یا حتی تدوین قانونی مستقل، به زوایای ماهوی و شکلی این مسئولیت به نحو عمیق‌تری پرداخته شود.

ب-قانون مجازات اسلامی بی‌هیچ قیدی، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را نسبت به مطلق جرایم ممکن دانسته است. با توجه به این که ارتکاب برخی از جرایم چه به واسطه ذات انسانی آن‌ها و چه به دلیل مجازات انسانی آن‌ها از سوی اشخاص حقوقی میسر نیست، مقید نمودن اطلاق مزبور ضروری است.

ج-عبارت « در راستای منافع آن شخص حقوقی مرتکب جرمی شود » ماده (۱۴۳) قانون مجازات اسلامی، ارتکاب جرایم عمدی از سوی اشخاص حقوقی را به ذهن متبادر می‌سازد. آیا قانونگذار اعتقادی به ارتکاب جرایم غیرعمدی از سوی آن‌ها ندارد؟ آیا خطا و تقصیر منجر به محیط خطر از سوی اشخاص مزبور در زمینه‌های مختلف کار، بهداشت، تولید، حمل و نقل تنها موجب مسئولیت مدنی است؟ یا این که قانونگذار از عبارت مزبور چنین مقصودی ندارد؟ به شرحی که آمد، پذیرش مسئولیت اشخاص حقوقی مسبوق به اعتقاد به وجود رکن روانی اعم از عمد و خطا در نزد این اشخاص است و از آنجا که بسیاری از جرایم بر پایه خطا و تقصیر به منصفه ظهور می‌رسند، مسئول دانستن اشخاص حقوقی در این زمینه همچون اشخاص حقیقی اجتناب‌ناپذیر است. در هر صورت ابهام‌زدایی از ماده مزبور جهت شفاف شدن موضع قانونگذار واجد اهمیت است.

د-ماده (۱۴۳) قانون مورد بحث در بیان شرایط تحقق مسئولیت کیفری شخص حقوقی اشعار می‌دارد: « ... نماینده قانونی شخص حقوقی به نام یا در راستای منافع آن مرتکب جرمی شود » از آنجا که اجتماع هر دو

شرط مذکور بر پایه تحقق مسئولیت اشخاص حقوقی ضرورت دارد. تبدیل حرف ربط (یا) به حرف (و) منطقی‌تر است.

ذ-ماده (۱۴۳) قانون مورد ذکر، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را متوقف بر احراز ارتکاب جرم از سوی نماینده قانونی نموده است. هر چند این ضابطه ناصحیح نیست، اما پاسخ‌گوی فرضی که نه تقصیر یک نماینده، بلکه سیاست و خط مشی حاکم بر سازمان یک شخصیت حقوقی جرم‌زا می‌باشد، نیست. از این رو توصیه می‌شود در خصوص مسئولیت آن دسته از اشخاص حقوقی که ساختاری پیچیده و غیرمتمرکز دارند، چندان که نتوان در همه موارد قصد مجرمانه آن‌ها را به شخص حقیقی (نماینده) تنزل داد، از دکترین "مسئولیت براساس سیاست اشخاص حقوقی" استفاده نمود.

ر-پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مقتضی تعیین تکلیف نسبت به آثار آن در موارد متناهی چون اعاده حیثیت، تکرار جرم، تعدد جرم، تعلیق اجرای مجازات، علل رافع مسئولیت و علل موجه جرم و به طور کلی دفاعیات است که در قانون مزبور به آن‌ها وقعی نهاده نشده است. تعیین تکالیف در خصوص این موارد جهت روبرو نشدن رویه قضایی با چالش، ضروری است.

ز-تصریح ماده (۱۴۳) این قانون به (نماینده قانونی) موجب خواهد شد تا اشخاص حقوقی با تفویض مسئولیت به اشخاصی که از نظر قانون نماینده محسوب نمی‌شوند از مسئولیت کیفری رها شوند. جهت جلوگیری از بروز این معضل، به نظر می‌رسد منطقی باشد که توسعه مسئولیت کیفری این اشخاص به واسطه اعمال اداره کنندگان بدون سمت قانونی آن‌ها نیز مورد توجه قانون‌گذار قرار گیرد.

س-ضمانت اجراهای پیش‌بینی شده در ماده (۲۰) این قانون فاقد جامعیت است. تعطیلی موقت، نظارت قضایی، الزام به اصلاح سیستم و وضعیت جرم‌زا، کار عام‌المنفعه و خدمات اجتماعی از دیگر واکنش‌های اصلاح‌گرایانه‌ای است که مورد توجه واقع نشده‌اند. همچنین مقتضی است که جزای نقدی متناسب با درآمد و گردش مالی هر شخص حقوقی تعیین می‌گردد.

ش-توجه به وضعیت مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حال تشکیل، در حال تصفیه و اشخاص حقوقی ادغام شده نیز حایز اهمیت است. موجودیت نداشتن اشخاص نخست، نفی مسئولیت کیفری آن‌ها را

در پی دارد. بقای شخصیت حقوقی اشخاص نوع دوم در مرحله تصفیه، بقای اهلیت جنایی آنان را در پی دارد. در خصوص مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی پس از ادغام نیاز نیز به نظر می‌رسد با توجه به تجلی شخصیت حقوقی شخص مجرم در قالب شخصیت حقوقی جدید و برای جلوگیری از سوءاستفاده اشخاص حقوقی از ترفند ادغام برای فرار از مسئولیت، بتوان قائل به مسئولیت کیفری آنان بود. به هر حال وضوح موضع قانون‌گذار در این موارد نیز ضروری است.

## منابع

- تدین، عباس، (۱۳۹۴)، قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، تهران، خرسندی.
- جان نثار کهنه شهری، علی، (۱۳۹۵)، بررسی نوآوریهای قرارهای تأمین کیفری و نظارت قضایی در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه تبریز.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۷۴)، ترمینولوژی حقوق، تهران: گنج دانش.
- جعفری هرندی، محمد (۱۳۸۴). «جایگاه شخصیت حقوقی»، مجله فقه و مبانی حقوق اسلامی بابل، ش ۱.
- رایجیان اصل، مهرداد (۱۳۸۵). «جرم انگاری سوء استفاده از قدرت در پرتو تعامل حقوق بشر و نظام حقوق جزا»، رساله دکتری، دانشگاه شهید بهشتی.
- سماواتی، حشمت الله، (۱۳۹۷)، درآمدی بر جرائم شرکتهای تجارتي در حقوق ایران، تهران، خط سوم.
- شریفی محسن و همکاران (۱۳۹۲)، دگرگونیهای مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در ایران، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۸۲.
- شریفی، مرسته (۱۳۸۲)، جرایم کامپیوتری در حقوق جزای بین الملل، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز.
- شریفی، محسن، (۱۳۹۵)، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در نظام کیفری ایران و فرانسه، دو فصلنامه دیدگاه های حقوق قضایی، شماره های ۷۵-۶۷.
- شکریان، مرضیه (۱۳۹۰)، تعقیب جرم شرکتي، پایان نامه برای دریافت کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
- عابدی، احمدرضا، (۱۳۹۸)، آیین دادرسی کیفری، تهران، مرکز آموزش قوه قضاییه.
- عاشوری، علی اصغر، صادق نژاد، مجید (۱۳۹۶)، گزارشی از همایش مسئولیت کیفری و آیین دادرسی اشخاص حقوقی، پژوهشگاه قوه قضائیه.

عباسی، محمود؛ شکر امرجی، ایوب و محمدی، سمیرا (۱۳۸۸). «مطالعه تطبیقی مسئولیت ناشی از خونهای آلوده در نظام حقوقی ایران و فرانسه»، فصلنامه حقوق پزشکی، شماره ۸.

قدسی، سید ابراهیم، فاضلی هریکندی، حسین، (۱۳۹۹)، «چالشهای تحقیقات مقدماتی جرائم اشخاص حقوقی»، مجله حقوقی دادگستری، سال هشتاد و چهارم، ش ۱۱۱.

کاظمی سیدسجاد، (۱۳۹۸)، آیین دادرسی کیفری، تهران، مجد.

محمد خانی، حسین (۱۳۸۶). «مسئولیت مدنی دولت در بارگه داد»، تهران: انتشارات بعثت.

محمدی، ناصر، (۱۳۹۷)، رسیدگی کیفری افتراقی به اتهام شخص حقوقی، تهران، ترخون.

مصدق، محمد، (۱۳۹۵)، قرارهای تأمین کیفری، نظارت قضایی و قرارهای نهایی، تهران، جنگل.

معین، محمد، (۱۳۸۳)، فرهنگ فارسی، تهران، امیرکبیر.

موسوی مجاب، سید درید، (۱۳۸۸)، نقش اراده در مسئولیت کیفری با رویکردی به نظام حقوقی ایران، تهران، انتشارات بهنامی.

مهدوی پور، اعظم و شهرانی کرانی، نجمه (۱۳۹۴). «نقش مخبران در آیین دادرسی کیفری ناظر بر جرائم اقتصادی، مقتضیات و موانع»، پژوهش حقوق کیفری، شماره ۱۰.

نجفی توانا، علی و مصطفی زاده، فهیم (۱۳۹۲). «جرم انگاری در نظام کیفری جمهوری اسلامی ایران»، مجله مطالعات فقه و حقوق اسلامی، شماره ۸.

نوبخت، سجاد (۱۳۹۶)، تحولات مسئولیت کیفری و دادرسی کیفری در حقوق ایران، پایان نامه برای دریافت کارشناسی ارشد، رشته حقوق جزا و جرمشناسی، تهران: دانشگاه علوم قضائی.

لاتین:

- Deckert, K. (2011), "Corporate Criminal Liability" in France in: Pieth, Mark pieth & Ivory, Radha; Corporate Criminal Liability, Springer.
- Emmanuel, Roger,(2003), Comment Prévenir Le Risque Pé-Nal Dans L'entreprise Accountancy & Ta.
- Fieberg, Gerhard, (1999), "National Developments in Germany: An Overview", in: Albin Criminal Responsibility of Legal and Collective Entities, International Colloquium, Berlin, 4-6 May.
- Price, Marilyn and Danna M. Norris (2009), "White Collar Crime, Corporate Crime and Securities and Commodities Fraud", Journal of the American Academy of Psychiatry and the law, No. 37(4).
- (www.Senat.fr),(2003), Les repentis face à la Sénat, Juin. justice, Service des étudesjuridiques;
- Deckert, K (2011); Corporate Criminal Liability in France in: Pieth, Mark pieth & Ivory, Radha; Corporate Criminal Liability, Springer.
- Skinnder, Eileen (2011), Victim of Environmental Crime, international center, first Edition, Published by Criminal Law Reform and Criminal Justice Policy, Canada
- Spalek, Busia. (2008), "Corporate Harm and Victimization", Criminal Jistic Matters, Vol 7.